

# دیگر به جنگل

## نمی‌رویم



نویسنده :

ماری هیگینگ کلارک

مترجم :

جبرائیل نعمت‌زاده

nasr@beshar.com

## مقدمه

ماری هیگینگ کلارک بعد از تحمل سختیها و با پشت سر گذاشتن بسیاری از نامالایمات زندگی و تلاش پیگیر به عنوان یک نویسنده، شهرت پیدا کرد. وی در برانکس<sup>۱</sup> متولد شد و در همانجا رشد یافت. یازده سال بیشتر نداشت که پدرش دار فانی را وداع گفت و مادرش تربیت و تامین معاش او و دو برادرش را به تنهایی برعهده گرفت. بعد از اتمام تحصیلات مقطع دبیرستان، یک دوره هم کلاس منشیگری را گذراند و توانست سه سال در یک آژانس تبلیغاتی مشغول کار شده و کمک شایانی را به اقتصاد خانواده نماید. محیط آژانس مسافرتی روی او تأثیرش را گذاشت و نقشه سفر به نقاط مختلف دنیا را کشید. در سال ۱۹۴۹ به عنوان مهماندار هواپیمایی پان امریکن در مسیرهای خطوط بین‌المللی کار کرد و به تمام کشورهای اروپایی و آسیایی و آفریقایی مسافرت نمود. او در خاطراتش نوشت: "من انقلاب سوریه و فروریختن دیوار برلین را با چشمهای خود دیده‌ام". بعد از یک سال پرواز، با همسایه‌ی نزدیکش که نه سال از خودش بزرگتر بود- در واقع او را از شانزده سالگی می‌شناخت- ازدواج کرد. بلافاصله بعد از مدتی که از

۱. Bronx

ازدواج وی و وارن کلارک<sup>۱</sup> گذشت نویسنده‌گی را شروع کرد. ابتدا داستانهای کوچک می‌نوشت. مدتی بعد نیز به عنوان نویسنده برنامه‌های رادیویی مشغول به کار شد.

شوهرش در سال ۱۹۶۴ بر اثر سکته قلبی درگذشت و او بیوه شد. همزمان که برای رادیو کار می‌کرد تلاش مضاعف کرد تا به نوشتن کتاب هم بپردازد. هر روز ساعت پنج بامداد از خواب برمی‌خاست و تا ساعت هفت، قبل از عزیمت به محل کار خود، به نگارش می‌پرداخت تا بلکه بتواند هزینه معاش پنج فرزندش را که همگی به مدرسه می‌رفتند، تامین نماید.

بسیاری از آثارش از جمله «بچه‌ها کجائید؟» و «غریبه تماشا می‌کند» در ساخت فیلمنامه‌ها مورد استفاده سینماگران واقع شده که در این راستا تعدادی از داستانهای کوتاهش در قالب فیلمهای تلویزیونی در معرض دید علاقمندان قرار گرفته است.

او همواره آرزو می‌کرد روزی وارد دانشگاه شود. بالاخره این آرزوی وی محقق شد و در سال ۱۹۷۹ در رشته فلسفه در مرکز دانشگاه لینکلن مشغول به تحصیل شد و موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد گردید و در سال ۱۹۹۸ از سوی دانشگاه فوردهام مفتخر به دریافت دکترای افتخاری شد. مدتی تولید دانشگاه، فوردهام را برعهده داشت و اینک نیز همین سمت را در کالج پروایدنس، مرکز پزشکی هاکنسک کالج برعهده دارد و تاکنون بیش از هیجده دکترای افتخاری از دانشگاههای مختلف به وی اعطا شده است.

کتابهای وی در فرانسه بیشتر از هر جای دیگر طرفدار دارد و در سال ۱۹۸۰ اولین جایزه ادبیات پلیسی را از آن خودش نمود. در ۱۹۹۸ جایزه ادبی جشنواره فیلم به وی تعلق گرفت و در سال ۲۰۰۰ از سوی وزیر

۱. Warren Clark

وقت فرهنگ فرانسه بالاترین عنوان شوالیه‌ی تربیت هنر و ادبیات به او اعطاء گردید. در همان سال از طرف موسسه هنر نویسندگان آمریکا جوایز ادوارد را به خاطر کسب افتخار استاد بزرگ سال ۲۰۰۰ از آن خود کرد. در سال ۲۰۱۱ موسسه ویژه‌ای برای اعطای جایزه با عنوان ماری هیگینگ کلارک تأسیس شد. علاوه بر این او صاحب چندین عنوان بین‌المللی نیز هست از جمله در سال ۱۹۸۸ او به عنوان رئیس کنگره جرم در سازمان ملل برگزیده شد.

ماری هیگینگ کلارک کسی است که به آئین دین مسیحیت بسیار پایبند می‌باشد و دارای عناوین مختلف از سوی کلیسای کاتولیک است.

امروزه آثار مردم‌پسند ماری هیگینگ کلارک در سرتاسر دنیا به زبانهای مختلف ترجمه شده و در دسترس علاقمندان قرار می‌گیرد. تنها در ایالات متحده آمریکا در حدود هشتاد میلیون نسخه از کتابهایش چاپ شده و در بازار کتاب توزیع گردیده است. او بیش از بیست و چهار عنوان کتاب به رشته تحریر در آورده است از جمله: بچه‌ها کجائید؟ (۱۹۷۵)، بیگانه تماشا می‌کند (۱۹۷۸)، کلاف سر ستون می‌افتد (۱۹۸۰)، گریه در شبانگاه (۱۹۸۲)، باز هم تماشا کن (۱۹۸۴)، بانوی من دیگر گریه بس است (۱۹۸۷)، آنگاه که خوشگل من به خواب می‌رود (۱۹۸۹)، موسیقی عاشقان، عاشقان می‌رقصند (۱۹۹۱)، دورا دور شهر - دیگر به جنگل نمی‌رویم (۱۹۹۲)، امیدوارم بینیمت (۱۹۹۳)، مرا به یاد آور (۱۹۹۴)، بگذار معشوقه صدایت کنم (۱۹۹۵)، سکوت شب (۱۹۹۵)، ماه منیر (۱۹۹۶)، وانمود کن که نمی‌بینیش (۱۹۹۷)، تو مال منی (۱۹۹۸)، همه چیز در جریان یک شب (۱۹۹۸)، باز هم همدیگر را خواهیم دید (۱۹۹۹)، قبل از خداحافظی من (۲۰۰۰)، در خیابانی که تو ساکنی (۲۰۰۱)، دختر کوچولوی بابا (۲۰۰۲)، دور دوم (۲۰۰۳)، شب هنگام از آن من است (۲۰۰۴)، هیچ جا خانه آدم نمی‌شود (۲۰۰۵) و علاوه بر اینها او سه مجموعه داستان